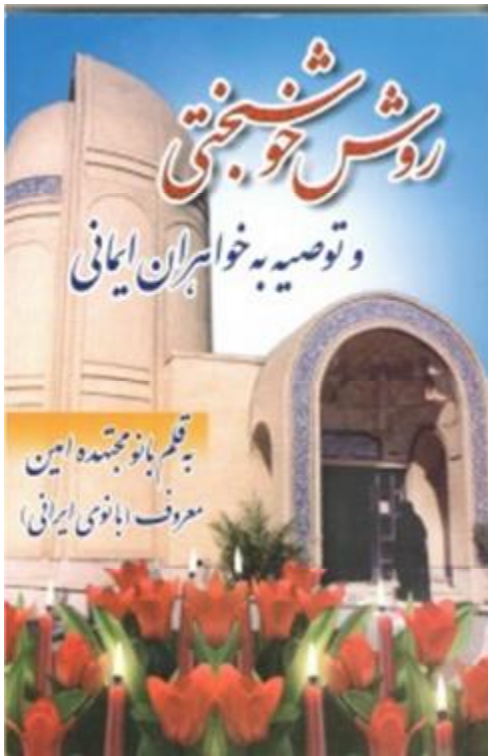


دو رکن خوشبختی



بانوی مجتهده امین در مقدمه کتاب به سوی خوشبختی می نویسد:

در افراد بشر مخصوصاً در جماعت بانوان کسی پیدا نمی‌شود که آرزوی خوشبختی و سعادت‌مندی در دل خود نپروراند، لکن چنین گمان می‌شود که سعادت و خوشبختی یک سرنوشت ازلی است و حصول آن مافوق تدبیر بشر است، این است که در مقام تحصیل آن بر نمی‌آید و کم کسی پیدا می‌شود که از بخت و اقبال خود راضی و خرسند باشد. ای خواهران محترم و ای دوشیزگان عزیز! اگر آرزوی خوشبختی و کامیابی دارید، گوش دل باز کنید تا من راه و روش و طرز رفتار یک خانم خوشبخت و سعادت مند را برای شما شرح دهم، تا آن که بفهمید و تصدیق نمائید که خوشبختی و کامیابی در چیزهایی نیست که تصور می‌کنید و آرزو دارید. وقتی به آن برسید و در پس هر آرزویی صدها آرزوی دیگر همراه دارید و عمر عزیز خود را به همین طور می‌گذرانید، این ها آرزوهای بچه گانه است و عقلانی نیست. خوشبختی در زیادی مال و ثروت نیست، خوشبختی در جاه و شهرت نیست، خوشبختی در اسباب تجملات نیست، خوشبختی در لباس مد و شیک نیست، ریشه خوشبختی و بدبختی را در باطن خود پیدا کن.

بدبختی و خوشبختی

پیش از آن که وسائل خوشبختی را فراهم کنید بایستی بدانیم خوشبختی چیست و بدبختی کدام است؟ بین حکماء و دانشمندان در موضوع خوشبختی و بدبختی و سعادت و شقاوت گفتگو بسیار است؛ هر کس از دریچه فکر خود به حسب آمالی که دارد خوشبختی و سعادت را طوری بیان نموده و برای اثبات آن می‌کوشد. اگر خوب دقت کنید می‌فهمید که خوشبختی دو رکن دارد:

رکن اول: آسایش بدن و صحت مزاج

رکن دوم: آسایش فکر و استراحت خیال و آرامش روح

بدن وقتی سالم است که سلول‌های بدن از حالت طبیعی خارج نشوند و اعتدال و قوا و تعادل اجزاء و توازن بین آنها برقرار باشد و حفظ الصحه بدنی یکی از شرائط اساسی نیل به سعادت به شمار می‌رود، بلکه صحت بدنش اساس هر فضیلتی و منشاء هر نیک‌بختی و سعادت است. ماها موظفیم که همیشه بدن خود را پاکیزه و سالم نگاه داریم، زیرا روح سالم در بدن سالم است و روح و بدن در یکدیگر تأثیر و تأثر کامل دارند، اگر لطمه‌ای به بدن وارد شود به طوری که اخلاط فاسده در بدن تولید شود و تعادل بین اعضاء و توازن بین قوا را زیان رساند، مسلماً روح را از حرکت صعودی باز می‌دارد، یعنی امراض بدنی مانع از ترقیات روحانی می‌شود و انسان را زبون و بیچاره می‌گرداند، آن وقت شقاوت و بدبختی راه باز می‌کند و به انسان هجوم می‌آورد. پس بایستی حتی الامکان مراعات حفظ الصحه نمود و بدن را سالم و معتدل نگاه داشت.

«آسایش فکری» وقتی تأمین می‌گردد که وحشت از «حوادث احتمالی» در کار نباشد و آرزوی مال از بین برود و هیچ خوشبختی به قدر راحت دل، بزرگ نیست و آرامش روح وقتی نصیب بشر می‌گردد که دو اصل اساسی را کاملاً مراعات نماید:

اول عقائد صحیح و ایمان به مبدء و معاد،

دوم: اخلاق نیکو که منشاء اعمال نیک گردد

چنانچه گفته اند همه بدبختی ها از درون ما بر می خیزد و سبب آنها خود ما هستیم. ما سهواً می پنداریم که آنها از بیرون می آیند در صورتی که خود ما آنها را در داخل خود با سرشت خودمان می سازیم. دانشمندان گفته اند خوشبختی هر کس بسته به این است که او اصلاً به عالم طبیعت به چه نظر، نگاه می کند؛ یعنی روح او تا چه درجه تکامل کرده، زیرا خوشبختی بیشتر مربوط به روح است و ریشه آن را در عقل و ادراک خود شخص بایست پیدا کرد و هر قدر درجه معرفت بالا رود معرفت نفس بهتر نمایان می شود و معرفت به حق که اصول دیانت است با معرفت به نفس ملازم یکدیگرند، چنانچه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده: «هر کس خودش را شناخت خدای خود را می شناسد» و هر کس خود را شناخت مرتبه و مقام خود را نیز می شناسد و توقعات بیجا نمی نماید و حضرت امیر علیه السلام فرموده: «مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِهِ اسْتَحَقَّ الْجِرْمَانَ» یعنی هر کس بالاتر از قدر خود را درخواست و طلب کند، مستحق محروم شدن است. پس عاقل هرگز در پی آرزو به آن چه در دسترس او نیست نمی گردد و خود را در طلب آن رنج نمی دهد.

فساد اخلاقی و شهوت پرستی و عیاشی و بی عفتی و دزدی و دروغ و خیانت و صدها جنایاتی که امروزه بین مردم شایع گردیده ناشی از عدم ایمان به مبدأ و معاد است. ایمان یک عامل قوی و یک پلیس باطنی است که انسان را از کارهای زشت که منافی با تقوی و عفت است باز می دارد. کسی که دین و ایمان ندارد به هیچ وجه نباید از وی منتظر خیر و خوبی باشیم و هرگز سعادت و خوشبختی نصیب او نخواهد شد، زیرا که نفس انسان مثل اسب شروری ماند که اگر جلوی وی را رها کنیم خودش و سوارش را به هلاکت می اندازد و یگانه جلوگیری او ایمان به خدایی است که عالم به ظاهر و باطن وی است. و پس از آن جلوگیری شهوات، عقل است که به میزان شرع عمل نماید. عقل بشر بدون چراغ ایمان، راه سعادت و خوشبختی خود را نمی شناسد، عقل اگر به همراهی ایمان، به سوی سعادت حرکت نمود البته کامیاب خواهد شد و موفقیت نصیب او می گردد.

پس از اینجا معلوم می شود که اول قدم به سوی سعادت و خوشبختی تحصیل ایمان و عقائد صحیح به مبدأ و معاد و تطبیق امور با قوانین مُحکمه اسلام است.

ای خواهران عزیز اگر طالب سعادت و نیک بختی می باشید و می خواهید از زندگی لذت ببرید و همیشه مسرور و شادمان و موفق و کامیاب باشید و از نعمت بزرگ الهی و حیات خود بهره مند گردید دل و سریره خود را از آلائش اخلاق زشت و صفات ناشایسته پاک گردانید و حسد و طمع و خود خواهی و بخل و کینه و آرزوهای بیجا و توقعات بی مورد در خود راه دهید تا آنکه آن فطرت اولیه ای که خداوند در روح شماها نهاده ظاهر گردد، یعنی فطرت توحید که در آیات قرآنی اشاره به آن فرموده و در احادیث تصریح شده که: (خداوند فطرت و طبیعت اولیه هر کس را بر توحید قرار داده).

اگر اخلاق ذمیمه و آمال نیویه و آرزوهای گوناگون قلب را فاسد نکنند و از طبیعت اولیه وی را خارج نگردانند دل و قلب آدمی به فطرت و طبیعت خداداد بسوی مبدء و خالق خود نگران است و در اثبات توحید و شناسائی مبدء خود ابداً احتیاج به ادله فلسفی ندارد؛ بلکه اگر دل قدری تصفیه شود و جلاء پیدا کند (به عین الیقین) ارتباط خود و موجودات را به حق تعالی مشاهده می کند.

اگر به چشم حقیقت نظر کنی جهان را به هر چه می نگری جز خدا نخواهی دید

چنانچه موقع دعاء و عرض حاجات بسوی (قاضی الحاجات) مخصوصاً موقع اضطرار و بیچارگی و درماندگی، این مطلب خوب نمایان می شود، یعنی هر کس می فهمد که کسی هست که قادر به رفع گرفتاری اوست. خلاصه، اول قدم ما بسوی سعادت و خوشبختی این است که دارای ایمان به مبدأ و معاد باشیم.

برگرفته از کتاب ارزشمند: روش خوشبختی، بانوی مجتهده امین، ص ۲-۶